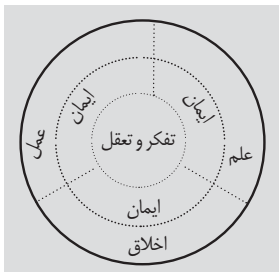


«برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران»، که در واقع بخش عمده طرح جامع تحول بنیادین در آموزش و پرورش تلقی می‌شود، هم‌اکنون مراحل نهایی تدوین و تصویب خود را می‌گذراند. این برنامه نقشه کلان برنامه درسی و چارچوب نظام برنامه‌ریزی درسی کشور را به منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی ایران تعیین و تبیین می‌نماید.

الگوی هدف‌گذاری این برنامه بر پایه پنج عنصر «تفکر و تعقل»، «ایمان»، «علم»، «عمل» و «اخلاق» بنا شده، به طوری که تفکر و تعقل از جایگاه نخست و محوری و عنصر ایمان و باور مبتنی بر تفکر، از جایگاه دوم برخوردار است و سه عنصر علم و عمل و اخلاق به منزله عناصر برخاسته از تفکر و ایمان یا متکی به آن دو، تعریف و تبیین می‌شوند.<sup>۱</sup>

بر مبنای این الگو از هدف‌گذاری، یازده حوزه یادگیری مشخص شده است که عبارت‌اند از: ۱. تفکر و حکمت، ۲. قرآن و معارف اسلامی، ۳. زبان و ادبیات فارسی، ۴. فرهنگ و هنر، ۵. کار و فناوری، ۶. سلامت و تربیت‌بدنی، ۷.

علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، ۸. ریاضیات، ۹. علوم تجربی، ۱۰. زبان‌های خارجی، ۱۱. آداب و مهارت‌های زندگی. با توجه به ارتباط حوزه تفکر و حکمت با قرآن و معارف اسلامی



## تفکر و حکمت در برنامه‌های درسی





و فلسفه و منطق و تفکر فلسفی، در اینجا به معرفی اجمالی این حوزه می‌پردازیم:

تفکر، عمل قاعده‌مند منتج، مولد و جهت‌دار دستگاه عقل انسان برای دستیابی به حقیقت است. در عمل تفکر، انسان بر روی اطلاعات دریافت‌شده و اندوخته‌های قبلی، کار روشمند می‌کند و مجهولی را به معلوم تبدیل می‌نماید و به حقیقتی از حقایق دست می‌یابد. دانش منطق روش صحیح اندیشه‌ورزی و تفکر را توضیح می‌دهد و به شرح اقسام آن می‌پردازد.

حکمت، که به معنای علم متین، محکم و استوار است، دستاورد قوه تعقل به‌شمار می‌آید. اگر انسان تحت تأثیر موانع معرفتی (مغالطه، توهم، ظن و گمان) و غیر معرفتی (تقلیدگرایی، حب و بغض بیجا، ...) قرار نگیرد و مبتنی بر منابع نقلی و عقلی، حرکت صحیح فکری انجام دهد، به حکمت دست می‌یابد.

حکمت به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌شود. حکمت نظری، دانش واقعیت‌ها (هست‌ها) است. حکمت عملی درباره بهترین رفتار انسان برای رسیدن به سعادت و کمال (بایدها و نبایدها) است. براساس این دو کارکرد، عقل نیز به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می‌شود. بنابراین، تفکر در حوزه عقل نظری به حکمت نظری می‌انجامد و تفکر در حوزه عقل عملی، حکمت عملی را در پی دارد. اندیشمندان زیربنای حیات انسانی را تفکر دانسته و گفته‌اند که زندگی بشر بدون بهره‌مندی از آن سامان نمی‌یابد و تکمیل نمی‌شود. تربیت تفکر و شکوفایی آن در وجود انسان، عامل شکوفایی خردمندی و دانایی و زمینه‌ساز «حیات طیبه» است. حیات انسان، یک حیات فکری است و تفکر، که استعدادی الهی است، در اثر تربیت به فعلیت می‌رسد.

سؤال، اولین قدم در تفکر است. کودک از همان زمان که توانایی برقرار کردن ارتباط و سخن گفتن پیدا می‌کند، می‌پرسد و به تدریج که رشد می‌کند، سؤال‌های او توسعه می‌یابد و عمیق‌تر و جدی‌تر می‌شود. سؤال از چیستی، چرایی، چگونگی، کدایی، کیستی، کجایی و نظایر آن‌ها آغاز حرکت فکری و رفتن به سوی علم و معرفت است. بنابراین یکی از ضرورت‌های تفکر، پاسخ به سؤالات انسان در زمینه‌های گوناگون زندگی و رشته‌های مختلف علمی است.

آن‌گاه که سؤالات وارد بنیادی‌ترین مسائل هستی و زندگی می‌شود، صبغه فلسفی به‌خود می‌گیرند و «تفکر فلسفی» پدید می‌آید و از آنجا که این قبیل سؤالات برای عموم انسان‌ها مطرح است، پرورش تفکر فلسفی، برای دستیابی به پاسخی مستدل و روش در مسائل بنیادی یک نیاز عام و همگانی در آموزش‌وپرورش است. بنابراین پرداختن به «پرورش تفکر فلسفی»، آن هم برای عموم دانش‌آموزان، نیازمند به برنامه‌ریزی خاصی است. البته این برنامه، با درس تخصصی فلسفه، که یک درس و رشته تحصیلی خاص است، تفاوت دارد.

تفکر، با توجه به مهم‌ترین کارکردهایش، نام‌هایی گرفته که لازم است به این کارکردها توجه شود؛ از جمله این‌که:

**تربیت تفکر و شکوفایی آن در وجود انسان، عامل شکوفایی خردمندی و دانایی و زمینه‌ساز «حیات طیبه» است. حیات انسان، یک حیات فکری است و تفکر، که استعدادی الهی است، در اثر تربیت به فعلیت می‌رسد**

تفکر از جهت برترین ثمره و فایده آن، که توانایی ارزیابی و نقادی است، «تفکر ارزیاب و نقاد» نامیده می‌شود.

از آن حیث که توان ابتکار، نوآوری و خلاقیت به انسان می‌دهد، «تفکر خلاق» نام گرفته است.

بدان جهت که به سؤال‌های بنیادین هستی و زندگی می‌پردازد، «تفکر فلسفی» نام دارد. تفکر و حکمت در دو قلمرو عقل نظری و عقل عملی حضور دارد. به عبارت دیگر، تفکر بر تمام قلمرو و حیات انسانی سایه می‌افکند و هیچ بعدی از ابعاد زندگی نظری و عملی وی نمی‌تواند از تفکر تهی باشد.

از این‌رو، برنامه تربیت تفکر و حکمت باید از همان آغاز تولد توسط خانواده‌ها پی‌گیری شود و با ورود دانش‌آموزان به مدرسه در ساختاری عمیق‌تر و جدی‌تر دنبال گردد تا دانش‌آموزانی اهل تدبیر، تأمل، تفقه و بصیرت تربیت شوند و در نهایت رفتاری حکیمانه از خود بروز دهند و تعاملی فکورانه و خردمندانه با محتوای سایر حوزه‌های یادگیری در دوره‌های تحصیلی داشته باشند.

ایجاد موقعیت‌های پرورش تفکر در برنامه‌های درسی اهمیت به‌سزایی دارد؛ مطالعه و کتاب‌خوانی، نقد رسانه‌ها، یادگیری روش‌های تحقیق، بررسی رفتارهای فردی و رخدادهای اجتماعی، داستان‌گویی و داستان‌خوانی، میزگرد، مناظره، گفت‌وگو، نوشتن تجارب و خاطرات و رخدادها و بهره‌گرفتن از روش‌های تقویت‌کننده مهارت‌های تفکر در تمام برنامه‌های درسی و تربیتی از جمله خلق این موقعیت‌هاست.

علاوه بر این قلمرو عام تفکر، قلمرو دومی نیز وجود دارد که عبارت از «تفکر فلسفی» است و همان‌طور که گفته شد، مربوط به بنیادی‌ترین سؤالات انسان درباره هستی و حیات است. این قلمرو نیز اختصاص به دوره تحصیلی خاص و رشته خاص ندارد و کلیه دانش‌آموزان را دربرمی‌گیرد. البته آغاز زمانی طرح سؤال‌های بنیادین و چگونگی پاسخ‌دادن به آن‌ها و تنظیم محتوای مناسب با این‌گونه پرسش‌ها در برنامه‌های ویژه این حوزه یادگیری تدوین می‌شود.

قلمرو سوم، قلمرو تخصصی «فلسفه» و «منطق» است که اختصاص به رشته تحصیلی و درس خاص دارد و اندیشه‌ورزی فلسفی تخصصی، شناخت آراء و نظرات فیلسوفان و نقد و بررسی آن‌ها را دربرمی‌گیرد و برای دانش‌آموزانی مناسب است که انگیزه تحصیل در این رشته را داشته باشند.

با توجه به این سه قلمرو، حوزه یادگیری تفکر و حکمت اختصاص به درس خاصی ندارد و در همه درس‌ها، به‌ویژه قرآن و معارف اسلامی، باید پی‌گیری شود و دبیران محترم درس‌های دینی و قرآن و فلسفه و منطق باید با تنظیم و تدوین روش‌های تدریس مناسب با تفکر، مهارت‌های تفکر را در دانش‌آموزان پرورش دهند و در راستای تحول و اصلاح نظام آموزشی پیش‌تاز باشند.

## سردبیر

### پی‌نوشت

۱. برنامه درسی ملی، نگاشت سوم، صص ۳۶ و ۳۷
۲. ترجمه تفسیرالمیزان / ج ۵ / ص ۴۱۴